اللام المفردة(قسمت چهارم

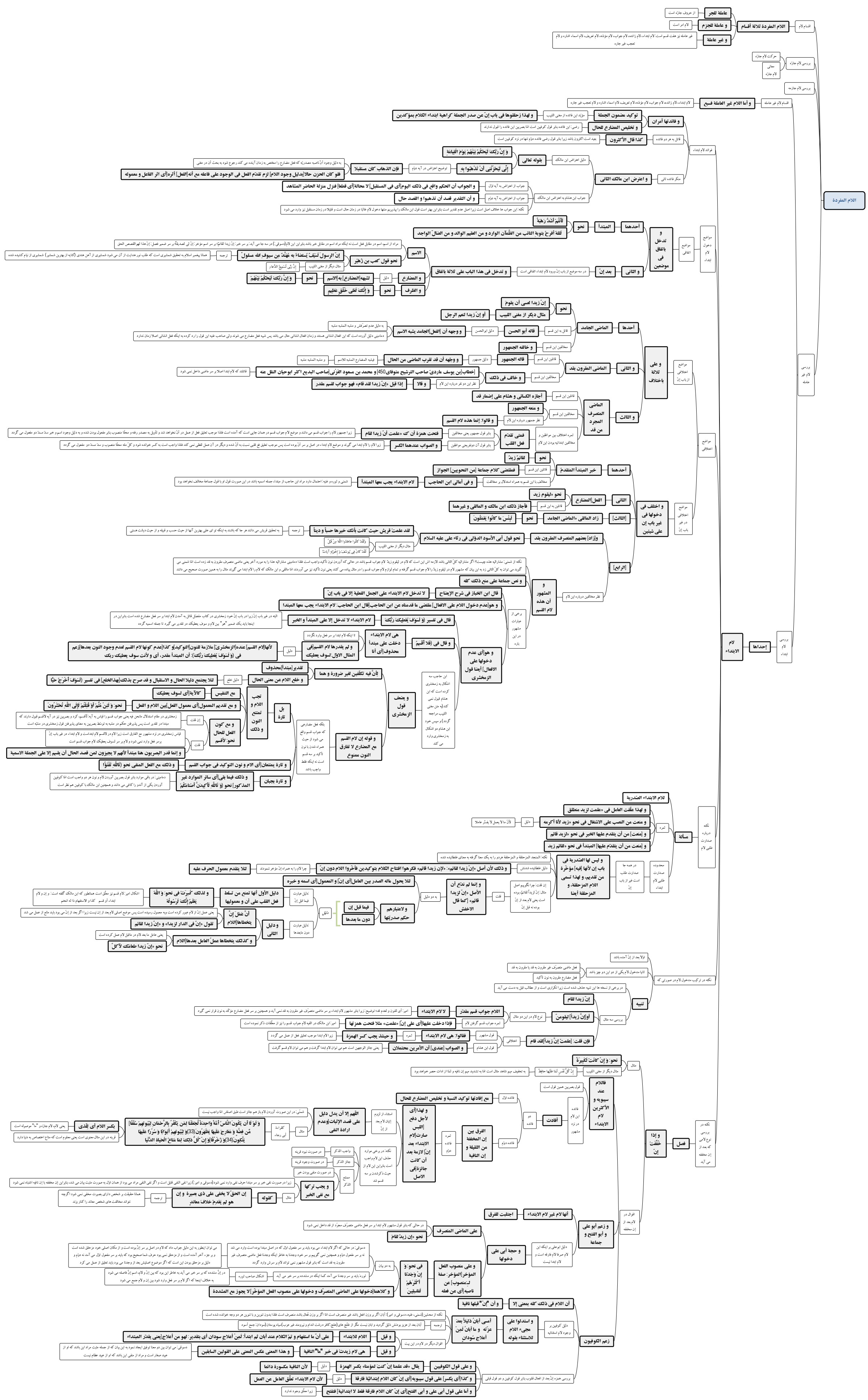

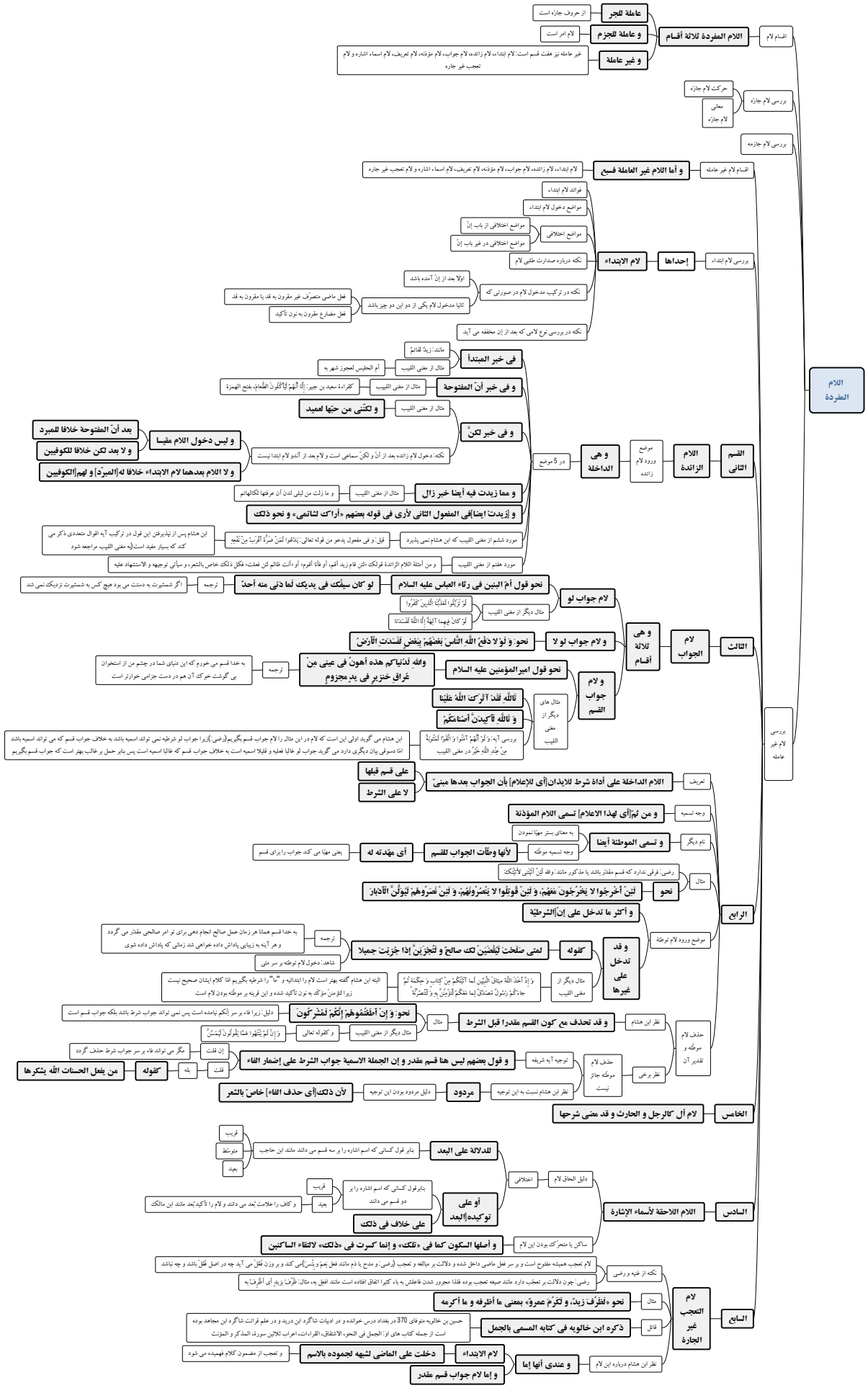
اللام المفردة
بررسی لام غیر عامله
اقسام لام
اللام المفردة ثلاثة أقسام
عاملة للجر
از حروف جاره است
و عاملة للجزم
لام امر است
و غیر عاملة
غیر عامله نیز هفت قسم است: لام ابتداء، لام زائده، لام جواب، لام مؤذنه، لام تعریف، لام اسماء اشاره و لام تعجب غیر جاره
بررسی لام جاره
حرکت لام جاره
معانی لام جاره
بررسی لام جازمه
اقسام لام غیر عامله
و أما اللام غیر العاملة فسبع
لام ابتداء، لام زائده، لام جواب، لام مؤذنه، لام تعریف، لام اسماء اشاره و لام تعجب غیر جاره
بررسی لام ابتداء
إحداها
لام الابتداء
فوائد لام ابتداء
مواضع دخول لام ابتداء
مواضع اختلافی
مواضع اختلافی از باب إنّ
مواضع اختلافی در غیر باب إنّ
نکته درباره صدارت طلبی لام
نکته در ترکیب مدخول لام در صورتی که
اولا بعد از إنّ آمده باشد
ثانیا مدخول لام یکی از دو این دو چیز باشد
فعل ماضی متصرّف غیر مقرون به قد یا مقرون به قد
فعل مضارع مقرون به نون تأکید
نکته در بررسی نوع لامی که بعد از إن مخففه می آید
القسم الثانی
و هی الداخلة
در 5 موضع
فی خبر المبتدأ
مانند: زیدٌ لقائمٌ
مثال از معنی الیب
أم الحلیس لعجوز شهر به
و فی خبر أنّ المفتوحة
مثال از معنی الیب
کقراءة سعید بن جبیر: إِلَّا أَنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعامَ، بفتح الهمزة
و فی خبر لکنّ
مثال از معنی الیب
و لکنّنی من حبّها لعمید
نکته: دخول لام زائده بعد از أنّ و لکنّ سماعی است و لام بعد از آندو لام ابتدا نیست
و لیس دخول اللام مقیسا
بعد أنّ المفتوحة خلافا للمبرد
و لا بعد لکن خلافا للکوفیین
و لا اللام بعدهما لام الابتداء خلافا له[المبرّد] و لهم[الکوفیین
و مما زیدت فیه أیضا خبر زال
مثال از معنی الیب
و ما زلت من لیلی لدن أن عرفتها لکالهائم
و إزیدت ایضا[فی المفعول الثانی لأری فی قوله بعضهم «أراک لشاتمی» و نحو ذلک
مورد ششم از معنی الیب که ابن هشام نمی پذیرد
قیل: و فی مفعول یدعو من قوله تعالی: يَدْعُوا لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ
ابن هشام پس از نپذیرفتن این قول در ترکیب آیه اقوال متعددی ذکر می کند که بسیار مفید است(به معنی الیب مراجعه شود
مورد هفتم از معنی الیب
و من أمثلة اللام الزائدة قولک «ائن قام زید أقمه، أو فأن أقوم، أو «أنت ظالم لئن فعلت» فکل ذلک خاص بالشعر، و سیأتی توجیهه و الاستشهاد علیه
القسم الثالث
اللام الزائدة
موضع ورود لام زائده
و هی ثلاثة أقسام
لام جواب لو
نحو قول أمّ البنین فی رثاء العباس علیه السلام
لو کان سیفُک فی یدیک لما دَنی منه أحدٌ
ترجمه
اگر شمشیرت به دستت می بود هیچ کس به شمشیرت نزدیک نمی شد
مثال دیگر از معنی الیب
لَوْ تُزَيِّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا
لَوْ كانَ فِيهِما آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتا
و لام جواب لو لا
نحو: وَ لَوْلا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ
و لام جواب القسم
نحو قول امیرالمؤمنین علیه السلام
وایمِ اللهِ لَدَنْیاکُم هذه أهونُ فی عینی مِنْ عُراقِ خنزیرٍ فی یدِ مجزومٍ
ترجمه
به خدا قسم می خورم که این دنیای شما در چشم من از استخوان بی گوشت خوک آن هم در دست جزامی خوارتر است
مثال های دیگر از معنی الیب
تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنا
وَ تَاللَّهِ تَأْكِيدٌ أَصْنامَكُمْ
بررسی آیه: وَ لَمْ أَشْرَكْ بِرَبِّي أَحَداً وَ لَقَدْ لَمْشُورَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ در معنی الیب
ابن هشام می گوید اولی این است که لام در این مثال را لام جواب قسم بگیریم(رضی)زیرا جواب لو شرطیه نمی تواند اسمیه باشد به خلاف جواب قسم که می تواند اسمیه باشد
امّا دسوقی بیان دیگری دارد می گوید جواب لو غالبا فعلیه و قلیلا اسمیه است به خلاف جواب قسم که غالبا اسمیه است پس بنابر حمل بر غالب بهتر است که جواب قسم بگیریم
القسم الرابع
تعریف
اللام الداخلة علی أداة شرط للایذان[أی للإعلام] بأن الجواب بعدها مبنیّ
علی قسم قبلها
لا علی الشرط
وجه تسمیه
و من ثمّ[أی لهذا الاعلام] تسمی اللام المؤذنة
نام دیگر
و تسمی الموطئة أیضا
به معنای بستر مهیّا نمودن
وجه تسمیه موطّئه
لأنها وطّأت الجواب للقسم
أی مهّدته له
یعنی مهیّا می کند جواب را برای قسم
مثال
رضی: فرقی ندارد که قسم مقدّر باشد یا مذکور مانند: والله لَئِنْ أَتَيْتِنِي لَأَتَيْتُكِ
نحو
لَئِنْ أُخْرِجُوا لا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ، وَ لَئِنْ قُوتِلُوا لا يَنْصُرُونَهُمْ، وَ لَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبارَ
و أکثر ما تدخل علی إنّ[الشرطیّة
موضع ورود لام توطئه
و قد تدخل علی غیرها
کقوله
لمتی صَلَحْتَ لَيُضْنَيَنْ لک صالحٌ و لَتُجْزَيَنَّ إذا جَزَيْتَ جمیلا
ترجمه
به خدا قسم همانا هر زمان عمل صالح انجام دهی برای تو امر صالحی مقدّر می گردد و هر آیه به زیبایی پاداش داده خواهی شد زمانی که پاداش داده شوی
شاهد: دخول لام توطئه بر سر متی
مثال دیگر از معنی الیب
وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثاقَ النَّبِيِّينَ لَما آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ
اتیه ابن هشام گفته بهتر است لام را ابتدائیه و "ما" را شرطیه بگیریم امّا کلام ایشان صحیح نیست زیرا لتؤمنن مؤکد به نون تأکید شده و این قرینه بر موطّئه بودن لام است
حذف لام موطّئه و تقدیر آن
نظر ابن هشام
و قد تحذف مع کون القسم مقدرا قبل الشرط
مثال
نحو: وَ إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ
دلیل: زیرا فاء بر سر إنّکم تیامده است پس نمی تواند جواب شرط باشد بلکه جواب قسم است
مثال دیگر از معنی الیب
و کقوله تعالی
وَ إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ
نظر برخی
حذف لام موطّئه جائز نیست
توجیه آیه شریفه
و قول بعضهم لیس هنا قسم مقدر و إن الجملة الاسمیة جواب الشرط علی إضمار الفاء
إن قلت
مگر می تواند فاء بر سر جواب شرط حذف گردد
قلت
بله
کقوله
من یفعل الحسنات الله یشکرها
نظر ابن هشام نسبت به این توجیه
مردود
دلیل مردود بودن این توجیه
لأن ذلک[أی حذف الفاء] خاصّ بالشعر
القسم الخامس
لام آل کالرجل و الحارث و قد مضی شرحها
القسم السادس
اللام اللاحقة لأسماء الإشارة
للدلالة علی البعد
بنابر قول کسائی که اسم اشاره را بر سه قسم می دانند مانند ابن حاجب
قریب
متوسّط
بعید
دلیل الحاق لام
اختلافی
أو علی توکیده[البعد
بنابرقول کسائی که اسم اشاره را بر دو قسم می دانند
قریب
بعید
و کاف را علامت بُعد می دانند و لام را تأکید بُعد مانند ابن مالک
علی خلاف فی ذلک
ساکن یا متحرّک بودن این لام
و أصلها السکون کما فی «تلک» و إنما کسرت فی «ذلک» لالتقاء الساکنین
القسم السابع
لام التعجب غیر الجارة
نکته از غیه و رضی
لام تعجب همیشه مفتوح است و بر سر فعل ماضی داخل شده و دلالت بر مبالغه و تعجب (رضی: و مدح یا ذم مانند فعل نِعمَ و بِئسَ)می کند و بر وزن فَعَلَ می آید چه در اصل فَعُلَ باشد و چه نباشد
رضی: چون دلالت بر تعجّب دارد مانند صیغه تعجب بوده فلذا مجرور شدن فاعلش به باء، کثیرا اتفاق افتاده است مانند: أَفْعِلْ بِهِ، مثال: طَرُفَ زَيْدٌ أَيْ أَطْرُفَ بِهِ
مثال
نحو «تَظَرُّفَ زَيْدٌ، و تَكَرُّمَ عمروٌ» بمعنی ما أظرفه و ما أکرمه
قائل
ذکره ابن خالویه فی کتابه المسمی بالجمل
حسین بن خالویه متوفای 370 در بغداد درس خوانده و در ادبیات شاگرد ابن درید و در علم قرائت شاگرد ابن مجاهد بوده است از جمله کتاب های او: الجمل فی النحو، الانتقاق، القراءات، اعراب ثلاثین سورة، المذکر و المؤنث
نظر ابن هشام درباره این لام
و عندی أنها إما
لام الابتداء
دخلت علی الماضی لشبهه لجموده بالاسم
و تعجب از مضمون کلام فهمیده می شود
و إما لام جواب قسم مقدر